

تصاویر واقعی و صحنه‌هایی از فیلم

بخشی از قدرت و اثرگذاری «انجمن برف» از واقعی بودنش می‌آید. عکس‌هایی که در انتهای فیلم این سندیت را تأیید می‌کند، تأییدی است بر ماجرای مهیبی که گروهی انسان برای زنده ماندن از سر گذرانده‌اند.



عکس واقعی



عکس واقعی



عکس واقعی

مثل یک جامعه واقعی

«انجمن برف» با اینکه در ظاهر داستان تلاش برای بقاست، اما در واقع داستان شکل‌گیری جوامع انسانی را روایت می‌کند. مثل هر جامعه دیگری، در اینجا نیز افرادی هستند که قدرت رهبری و هدایت سایرین و کاستن از اضطراب‌ها و وحشت‌ها را دارند. آنها می‌توانند در مواقع حساس تصمیماتی بزرگ بگیرند و البته گاه در برابر تصمیمات‌شان نیز مخالفت‌هایی می‌شود. وقتی ناامیدی در جامعه‌ای گسترش می‌یابد، اینها از آن کار یزما پر خور دارند تا امید را به جمع بازگردانند؛ حتی اگر بهایی که برای ایجاد امید باید بدهند، جان‌شان باشد. فیلم در عین اینکه گرمیادداشت اتحاد و دوستی و گذشت است، اما نقدی نیز به جوامع انسانی دارد که برای بقا باید به کارهایی دست بزنند و با توجیهاتی که برای خود می‌تراشند، اعمال‌شان را توجیه کنند. «انجمن برف» را شاید بشود به فرقه‌ای در دل کوه تشبیه کرد که اعضایش برای زندگی ناچار از پذیرفتن قواعد و تن دادن به چیزهایی هستند که شاید در وضعیتی دیگر به پذیرش‌شان گردن نمی‌گذاشتند. بحران، کلیدواژه فیلم است. مگر نه اینکه همه جوامع در بحران‌ها دست به کارهایی می‌زنند که بقای خودشان را تضمین کند و نابودی و اضمحلال دیگران را رقم زند؟



خیلی اثرگذار، کمی طولانی

الکس اولیفا: فیلم‌ترت:

«انجمن برف» به معیاری در داستان‌های بقا بدل می‌شود که رسیدن به آن دشوار خواهد بود.

رودریگو پز از پالی لیت:

همانطور که از عنوانش پیداست، «انجمن برف» فیلمی جاه‌طلبانه، تأثیرگذار و بدیع در اندازه‌ای بسیار بزرگ است؛ فیلمی که نه تنها شاهکاری است عمیقاً سینمایی درباره معجزه، وحشت و شجاعتی احساس برانگیز، بلکه همچنین پرت‌های عمیقاً ملموس از متحد بودن، برادری و بقا را به تصویر می‌کشد که به عنوان یادبودی در دناک و برانگیزاننده از تراژدی‌ای غیر قابل توصیف عمل می‌کند.

وندی ایداز آبرور:

اگرچه منفی بودن مدت زمان طولانی فیلم در لحظاتی آشکار می‌شود، تصمیم هوشمندانه بایونا برای روایت قصه بازماندگان و قربانیان در کنار هم ابهام و عدم قطعیتی قدرتمند و مضطرب‌کننده به داستان بخشیده، حتی اگر بدانیم که چه فرجامی در کار است.

برایاناز یگلر از جله پیت:

فاجعه در دناک است و کارگردانی بایونا به ما این فرصت را می‌دهد تا نسبت به تراژدی‌ای که فراتر از فهم ماست، درک عمیق‌تری پیدا کنیم.

ریچارد لاونون از ونتی فر:

هیچ فیلمی نمی‌تواند عمق این تجربه در دناک را به‌طور کامل ترسیم کند، اما «انجمن برف»، به‌رغم برخی تصمیمات آزاردهنده بایونا، به اندازه کافی قدرتمند است تا این فاجعه را به‌طور ملموسی برای مخاطب تجسم ببخشد.

دیوید رونی از هالیوود ریپورتر:

به همان اندازه که موقعیت خطرناک مرگ و زندگی‌ای که در فیلم ترسیم می‌شود، هیجان‌انگیز است، مدت زمان دو ساعت و نیمه فیلم کمی از قدرت آن را می‌گیرد. یک تدوین فشرده‌تر قطعاً می‌توانست به نفع فیلم تمام شود.

کورتنی هاوارد از ای.وی. کلاب:

«انجمن برف» شاید بهترین نسخه از بازگویی این حماسه در دناک تاکنون باشد. با این حال، نقص‌هایی دارد و به‌رغم اینکه سعی می‌کند فراتر از قصه‌ای صرفاً در دناک و ترجمه‌انگیز باشد، هرگز عمیق‌تر نمی‌شود.

استیون اسکیف از مجله اسلنت:

خوان آنتونیو بایونا به‌ندرت اجازه داده که تصاویر خود گویا باشند که این مسئله باتوجه به استعداد مشهود او در خلق ایجازی شاعرانه و سوررئال ناامیدکننده است.

زیرژانر «جان‌به‌دربرندگان» یا «بقا» (The survival film) روایت کشمکش طاقت‌فرسا و مشقت‌بار و دردناک آدم‌ها بر سر زنده ماندن و نمایش اراده و عزم راسخ انسانی برای به زانو در آوردن مرگ است. در این نوع فیلم‌ها انگیزه‌های فردی و قدرت روانی و فیزیکی آدمی بر موجودی وحشی یا وضعیت خطرناک و مهلک و غیرانسانی، چه اخلاقی و چه واقعی، چیره می‌شود و نمایشی دلپذیر از پیروزی فرد یا جمع بر طبیعت یا محیطی که قصد قلع و قمع و حذف انسان را دارد، اتفاق می‌افتد. تماشاگر با پوست و گوشتش موقعیت سخت و کشنده‌ای را که قهرمان یا قهرمانان در آن گرفتار شده‌اند، حس می‌کند و از بن جان به استخلاص و گریز شخصیت‌ها از این وضعیت دل می‌بندد. تلاش شخصیت‌ها به تلاش تماشاگر بدل می‌شود و امید و ناامیدی‌شان هم‌میتنور. رهایی شخصیت و تماشاگر چنان با هم درمی‌آمیزد که در آخر وقتی رهایی حاصل می‌شود، تماشاگر خود احساس خلاصی می‌کند. فیلم آرژانتینی «انجمن برف» ساخته خوان آنتونیو بایونا فیلمی در زیرژانر جان‌به‌دربرندگان با بقاست که مثل خیلی از فیلم‌های این ژانر بر اساس داستانی واقعی ساخته شده است.

در سال ۱۹۷۲، پرواز ۵۷۱ خطوط هوایی اروگوئه که مسافرانش اعضای یک تیم راگی برای سفر به شیلی بودند، در قلب کوه‌های پوشیده از برف و یخ آند سقوط کرد. تنها ۲۹ نفر از ۴۵ سرنشین هواپیما زنده ماندند، اما آنها برای اینکه بتوانند در محیطی سرد و بی‌رحم ۷۲ روز دوام بیاورند، به از خود گذشتگی، اتحاد و اعتماد به یکدیگر نیاز داشتند و البته ناچار از انجام کارهای



به شرط بقا!

یکی از چیزهایی که «انجمن برف» را شوکه‌کننده و تا حدی عذاب‌آور می‌کند، دیدن خورده شدن اجساد است که هنگام سقوط، جان سپرده‌اند و بازماندگان برای نجات جان‌شان چاره‌ای جز تغذیه از آنها ندارند. در نگاه اول، این قضیه خوی حیوانی و اخلاق منفعت‌طلبانه انسان را برای نجات جان‌شان و جان‌به‌دربردن از مهلکه به رخ می‌کشد. در وضعیتی که جان آدمی به خطر می‌افتد، تمام قوانین و مقررات و مرزهای اخلاقی‌ای که ما را از سسایر جانوران جدا می‌کند، رنگ می‌بازد و بسری زنده ماندن، تردیدی



«انجمن برف» داستان واقعی تلاش گروهی ورزشکار است که هواپیماشان در کوه سقوط می‌کند

۷۲ روز مهاس با مرگ

rottentomatoes
90%

metacritic
72/100

IMDb:
7.8/10